

هنر و کتابداری و اطلاع‌رسانی

تعریف مقوله هنر از موارد سهل و ممتنع است که توافق جمعی بر آن نیست. هنر در یک نگاه، همه زندگی، نمک و معنای آن است. هر کاری که فاقد هنر باشد زیبا نیست و پذیرش و هضم آن در زندگی با مشکلات توأم است. بزرگترین مشکلات را می‌توان با هنرمندی به سهولت حل کرد و ساده‌ترین کارها بدون چاشنی هنر به سختی قابل انجام است. هنر با فنون هنری تفاوت دارد. فنون هنری قابل اکتساب است، اما هنر به نوع نگاه برمی‌گردد که مشوق و انگیزه انجام کار است. در بسیاری از موارد بین این دو خلط می‌شود و فنون هنری را به جای هنر استفاده می‌کنند. فنون هنری را هر کسی می‌تواند انجام دهد؛ اما هنر زمینه می‌طلبد، شرح صدر می‌خواهد و ظرف و مظروف باید با هم همخوانی داشته باشند؛ به تعبیری دیگر می‌توان گفت استفاده حداکثری از توان و ظرفیت انسانی برای انجام کاری در زمان و مکان مناسب از روی شوق و با عشق هنر است. گویند «سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند». این هنر تأثیرگذاری است مگر نه این است که همه کارها برای اثربخشی است، پس یکی از آنها همین عامل بودن است، به آنچه گفته می‌شود که سرآمد همه هنرها است. در تدریس، در ورزش، در سیاست و همه امور دیگر هنرمندان عاملان و عاشقان واقعی به کاراند که دانسته آنچه را می‌کشند به آن معتقدند. در موسیقی و هنرهای تجسمی هم همین‌طور، در سخنوری و نگارش هم. استفاده به جا و حداکثری از ظرفیت کلمات و چینش به جا و مناسب آن گونه که بتواند در بیشترین زمان و مکان رسا و گویا باشد هنر است. از قرآن که بگذریم که سخن همه زمان‌ها است، اشعار نغز شاعران بلندپایه، بویژه ایرانی، این گونه است که همچون قالی نفیس است که هرچه پا بخورد جلای بیشتری می‌یابد. این گونه سخنان در هر

عصر و زمانی بار معنایی خاص خود را دارد، چرا که از عمق جان شاعر با عشق و اعتقاد برخاسته است. آن گونه ساخته شده‌اند که روح لطیف و متعالی انسان پاک طالب آن است. انسانی که اگر غبار کدورت‌ها و زنگار بدنگری‌ها را کنار بزند، طبیعت زلال و شفاف او جلوه می‌کند.

در کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز به مانند همه حوزه‌های انسانی که با انسان سر و کار دارد و وظیفه‌اش ارتباط با روح و افکار انسانی است، هنر و هنرمندی بسیار مهم است؛ به‌ویژه که ابزار کار مورد استفاده به ظاهر خشک، جامد و بی‌روح به نظر می‌رسند؛ و برای آماده نمودن ارواح انسان‌ها برای استفاده از این ابزار نیازمند طی مراحل هنرمندانه است تا بتوانند ارتباط به معنای واقعی برقرار شود.

برقراری ارتباط خود بخشی و یا پیش زمینه‌ای در هنر است. کسی که کتاب نمی‌خواند و یا کم می‌خواند و یا نمی‌داند چه بخواند حتماً نیازمند است تا افرادی محیط و موقعیتی را برای او فراهم کنند تا وی را به مقصد برسانند. غفلت از این نکته گاه صدمات جبران ناپذیری به بار می‌آورد. تصور کنید فردی نیازمند خرید چیزی است و یا در حالی که نیازمند است خود توجهی به آن ندارد و یا آن را در اولویت قرار نمی‌دهد و یا اصلاً این نیازمندی در ذهن او شکل نگرفته است، وقتی به بازار می‌رود فروشندگان با برخوردهای گوناگون می‌توانند در او حالت‌های گوناگون بوجود آورند، یا وی را از خرید منصرف کنند و یا او را آن چنان بر سر شوق آورند که با آن که فکر می‌کرده آن چیز را نیاز ندارد آن را فی‌الغور بخرد و حتی به دوستان و آشنایان خود خرید آن را توصیه کند.

می‌توان هنرمندی را در دو مرحله تصویر کرد، هنرمندی عمومی و هنرمندی تخصصی؛ هنرمندی عمومی شامل همه اخلاق انسانی است که فرد باید به آن توجه کند و این زمانی می‌شود که کتابدار و اطلاع‌رسان همچون همه افراد انسانی به کرامت انسانی توجه کند و از عواطف خود بهره‌گیرد. کرامت انسانی یعنی این که همه افراد بشر از عالی و دانی به لحاظ موقعیت‌های اجتماعی بزرگوارند،

مخلوق خدایند و همه این مخلوقات با هم برابرند. هیچ کس را در این مرحله بر دیگری برتری و فضیلت نیست؛ لذا نباید به گونه‌ای با آنان رفتار شود که کرامت انسانی آنان خدشه‌دار شود. ضمن اینکه خود انسان نیز نباید بگونه‌ای عمل کند که کرامت خویش را بفروشد. این مرحله را می‌توان از آن به عنوان هنر عمومی جذب یاد کرد؛ زیرا که بنی آدم اعضای یکدیگرند.

نباید هدف رسیدن به ثروت و یا موقعیت و منزلت اجتماعی سبب شود که فرد یا خود را تحقیر کند و یا موجب تحقیر دیگران شود. دوستی و محبت صادقانه به همه بنی نوع بشر از واجبات است و در این باره گفته‌اند که «التودد الی الناس نصف العقل: دوستی با مردم نیمی از عقل و خردمندی است»؛ اما در جنبه تخصصی هنرمندی، آن کس می‌تواند هنرمندانه‌تر عمل کند که از دانش بیشتری برخوردار باشد. افراد متخصص و کار آشنا طبعاً موفق‌ترند. وقتی این تخصص به همراه آن زمینه عمومی هنرمندی باشد می‌شود از آن تعبیر زیبای «گل بود و به سبزه هم آراسته شد» استفاده کرد. این جا ارتباط برقرار می‌شود، مخاطب کتابخانه، کتابدار را از خود می‌داند، او را دلسوز می‌بیند و توصیه‌های او را به جان می‌خورد و او را علاقمند به مراجعه و مراجعات بیشتر می‌کند و تعبیر «حرف معلم ار بود زمزمه محبتی، جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را» مصداق می‌یابد.

البته نمی‌توان و نباید انتظار داشت که همه کارها توسط یک فرد انجام شود. در بسیاری از مؤسسات جذب افراد توسط عده‌ای انجام می‌شود؛ اما به محض آنکه سوالات تخصصی می‌شود، او را به افراد دیگر ارجاع می‌دهند که خود این تغییر و گردش در پاسخ‌گویی اثرات خاص خود را دارد. در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به خاطر تنوع نگرش مدیران مافوق و کمبود نیروهای کارآمد، گاه همه کارها توسط یک فرد باید انجام شود که طبعاً با کثرت مراجعان در هیچ یک از دو وظیفه توفیق نمی‌یابد.

از این منظر که بنگریم تصدیق خواهیم کرد که هر فردی برای کتابدار و یا

اطلاع‌رسان شدن شایسته نیست و اگر شایسته است باید دید شایستگی او در کدام یک از وظایف کتابخانه بیشتر است و این وظایف مدیر کارآمد، کار آشنای علاقمند به هنر است که می‌تواند با به کارگیری استعداد او کاری هنرمندانه و از حداکثر توان و ذوق او استفاده کند که این خود کار کمی نیست. مدیران ارشد حوزه کتابداری و اطلاع رسانی، چنانچه واقف به این موضوع باشند دیگر نخواهند گفت که دانش کتابداری وسیع نیست و یا هر فردی قادر است وظایف خود را به خوبی انجام دهد. در این صورت آنان از طریق گزینش، پذیرش و آموزش برای انجام چنین وظایف خطیری نهایت دقت را مبذول خواهند نمود و وقتی نیروهای با کیفیت جذب شدند در حفظ و نگهداری آنها نهایت جدیت را به خرج خواهند داد.

بنابراین، دانش وسیع کتابداری و اطلاع‌رسانی شامل مدیریت رفورم کتابخانه‌ها، رتبه‌بندی دانش در سطح خرد و کلان، مدیریت بر حفظ و نگهداری آرشیوها (پادنامه‌ها) و سازماندهی منابع خطی مکتوب و دیجیتالی، نگارش‌های دایره‌المعارفی، ایجاد و ارتقاء فناوری‌های مرتبط با بازیابی، مشاوره‌های اطلاعاتی، مدیریت اقتصاد و اطلاعات و نظریه‌پردازی در حوزه اطلاعات و دانش به تناسب نیازمند افرادی خلاق و هنرمند است، به این معنا که علاوه بر داشتن صلاحیت‌های اولیه اخلاقی که ناظر بر توصیه به کرامت انسانی و انسان‌ها است از دانش و تخصص لازم برخوردار باشد. به عنوان مثال، موارد زیر به هنر و هنرمندی نیاز دارد: هنر جمع‌آوری و فراهم‌آوری مجموعه‌ها، هنر معماری در ساختمان و چیدمان، هنر خدمت‌رسانی و اشاعه اطلاعات، هنر صرفه‌جویی در هزینه سازمان‌دهی و ارائه اطلاعات، هنر تحویل به موقع اطلاعات و دانش، هنر به چنگ‌آوری اطلاعات نو و ضروری، هنر برخورد‌های متواضعانه و اخلاقی، هنر برقراری ارتباط و شناخت محیط مخاطبان بالفعل و بالقوه و ایجاد شبکه‌های انسانی و فنی، هنر تشویق به مطالعه و تحقیق، هنر زیباسازی محیط و ایجاد امنیت و مانند آن که هر کدام خود می‌تواند مقوله‌ای ایجاد و ارائه برای خلاقیت

هنرمندانه باشد.

در این صورت است که می‌توان انتظار داشت افراد خوش‌ذوق، خلاق و هنرمند، چه در داخل جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی و چه علاقمندان به این حوزه در خارج از آن، دست به کارهای هنرمندانه بزنند و آثاری خلق کنند تا در محیط‌های علمی نشاط ایجاد کنند و اذهان جامعه را متوجه این مراکز به ظاهر ساکت و آرام نمایند. نگارش داستان‌های مهیج و جالب از فداکاری‌های افرادی که به واقع خدمت می‌کنند. تهیه سناریوهای جالب و تنظیم‌هایی که بتواند این برجستگی‌های انسانی و فضایل معنوی و تخصصی را نشان دهد از جمله این اقدامات است. قطعاً دست اندرکاران و مسئولان ارشد حوزه تحقیق می‌توانند مشوق خوبی برای استقبال جامعه به این موضوعات برای خلق آثار بدیع و ارزشمند شوند. اخیراً شنیده شد که کتابداری از کتابخانه‌های عمومی در یک منطقه‌ای دور افتاده گفته بود که به خاطر کمبود نیرو حتی جاروکشی هم کرده است، صرف‌نظر از اینکه این هشدار برای مسئولان می‌تواند باشد؛ اما از منظری دیگر می‌تواند پیام‌آور فداکاری و عشق کتابداری باشد که در راه انجام وظیفه از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کند. این و نمونه‌های مانند آن را می‌توان هنرمندانه به تصویر کشید. همچنان که گاه مانند دهقان فداکار و افرادی مشابه آن برای تشویق جامعه اسطوره می‌سازیم.

گفتنی است که در سال‌های گذشته به مناسبت ایام نوروز عده‌ای از کتابداران به نگارش طنز دست زدند که در جای خود بسیار ارزشمند بود. ارزشمند از این نظر که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی که عملکرد و شاغلان آن به ظاهر خشک به نظر می‌رسد به هنر و هنرمندی ورود پیدا کرده است؛ اما نکته‌ای که در آن مشاهده شد این بود که این طنزها به گونه‌ای شکل گرفته بود که عموماً حاکی از خود کم‌بینی و تحقیر کتابدار و کتابداری بود. این امر ممکن است برای مواردی خاص قابل قبول باشد؛ اما باید از منظر مثبت به موضوع نگریست و برای سامان دادن اوضاع نابسامان دست به کار شد. البته، باید توجه داشت که تا

هویت و تعریف حوزه کتابداری و اطلاع رسانی برای متولیان آن جا نیفتد و ریشه و اساس کار تبیین نشود، حکایت همچنان باقی است. کتابدار باید بداند به کجا وابسته است و کاری که انجام می دهد به کدامیک از نیازهای واقعی انسانی پاسخ می دهد. کتابداری و اطلاع رسانی صرفاً اداره کتابخانه به عنوان مکان نیست. مفهوم کتابداری و اطلاع رسانی از نیاز واقعی انسان به بازیابی اطلاعات برای به کار بردن آن برای پیشرفت و توسعه برمی خیزد که ناگزیر برای بازیابی سریع و صحیح آن باید از همه امکانات به صورت هنرمندانه استفاده کرد. همچنان که برای تغذیه مادی از همه فنون و امکانات استفاده می شود، برای تغذیه روحی و اعتلای سطح فرهنگ جامعه از طریق بازیابی اطلاعات و دانش مرتبط باید از همه ظرفیت ها استفاده نمود.

